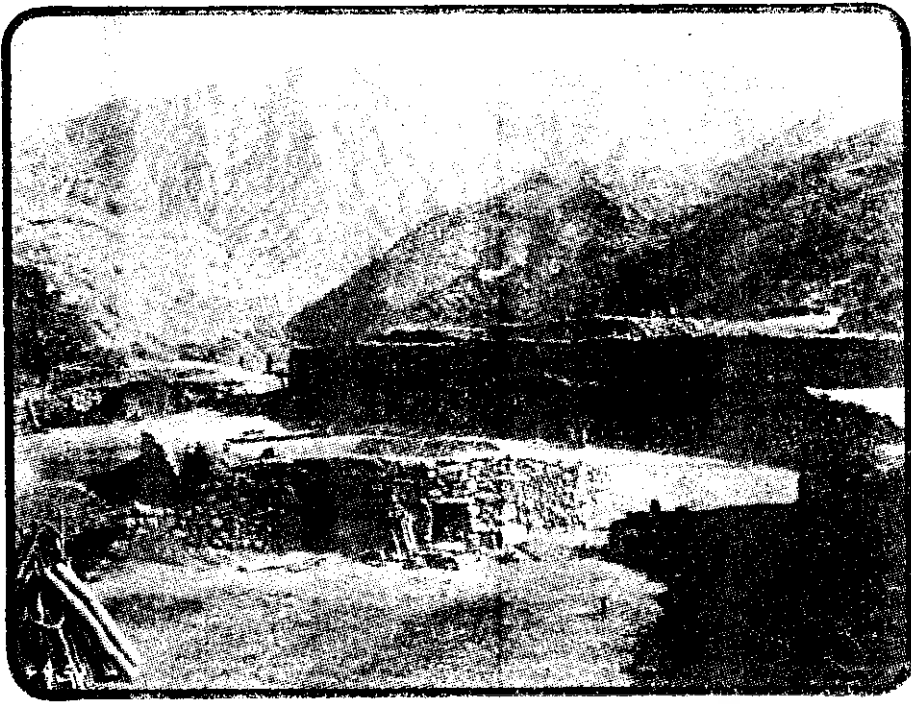


نقش سنگ در زندگی کوچ نشینان بختیاری

بهرام امیراحمدی



«عصر حجر، دوره ای از فرهنگ و تمدن انسان است، که ابزار کار و سلاح انسان اساساً از سنگ تهیه می‌شد. استفاده از چوب و استخوان نیز، در کنار سنگ در این عصر وجود داشته است. دوره سنگ که در برگیرنده قسمت مهمی از دوران شکل‌گیری اجتماعات اولیه بشر بوده، با جدا شدن انسان از زندگی حیوانی (بیش از ۲ میلیون سال قبل) آغاز و تا شناخت آهن (در شرق باستان تقریباً ۸ هزار سال و در اروپا تقریباً ۷-۶ هزار سال قبل) ادامه داشته است.

عصر حجر را به جهت تکنیک، شکل و اندازه ابزارهای سنگی، به دو دوره پارینه سنگی (پالئولیتیک) و نوسنگی (نولیت) تقسیم می‌کنند. دوره گذر از پارینه سنگی به دوره نوسنگی را «مزولیت» می‌نامند.

در دوره پارینه سنگی که از نظر عالم جانوران و گیاهان تفاوت بسیار زیادی با زمان حال داشت، انسان به جمع‌آوری میوه و شکار جانوران مشغول بود. ابزارهای سنگی مورد استفاده، اصولاً با روش شکستن، تراشیدن و تکه تکه کردن سنگ، تهیه می‌شد. در دوره

پارینه سنگی، صید ماهی رواج داشته لیکن فن دامداری و کشاورزی، هنوز ناشناخته بود. انسان دوره نوسنگی از سنگهای صیقلی شده، ابزارهای سنگی سوراخ شده و همچنین ظروف گلی استفاده می‌کرد. در کنار شکار، جمع‌آوری میوه، صید ماهی، کشاورزی ابتدایی و نگهداری از حیوانات خانگی نیز آغاز شده بود.»

بدین ترتیب سنگ یکی از مواهب خدادادی، طبیعی و بسیار کهن زندگی انسان به‌شمار می‌رود. انسانهای نخستین، به یاری ابزارهای سنگی توانستند برای خود خوراک تهیه کرده و ابزارهای گوناگون بسازند. مسکن انسانهای نخستین (غارها) نیز از سنگ بوده است. زیورآلات اولیه زنان، قلم و لوحه‌ها نیز از سنگ ساخته می‌شدند. به بیانی دیگر می‌توان گفت که در گسترش ذوق و نبوغ انسان، سنگ نقش بزرگی را دارا بوده است.^۱

اجسام و ابزار ساخته شده از سنگ، به علت دوامی که این عنصر طبیعی در مقابل فرسایش دارد، سالها باقی می‌ماند. قدیمی‌ترین نمونه‌های نقاشی را، باستان‌شناسان بر روی

صخره‌ها یافته‌اند. به همین جهت از زمانهای کهن تاکنون، سنگ همیشه در زندگی انسان نقش مهمی را داشته است.

اهرام ثلاثه مصر، معابد یونان باستان، کاخ پاسارگاد، معبد آناهیتا، دیوار چین، و صدها نمونه دیگر از آثار بزرگ معماری جهان که از ادوار بسیار کهن تا به امروز به یادگار مانده همگی از سنگ ساخته شده‌اند.

کوههای زاگرس میانی که مسکن بزرگترین ایل ایران، یعنی بختیاری، نیز همه پوشیده از سنگ است. این کوهستان عظیم مربوط به دوران سوم زمین‌شناسی بوده و نسبتاً جوان است. مرحله تشکیل طبقه خاک در این منطقه کاملاً به پایان نرسیده و بدین جهت سطح این کوهستان خاک کمی را در خود دارد. به همین علت طبیعی محیط است که فعالیت کشاورزی در این مناطق گسترش نیافته و از دیرباز تاکنون، فعالیت اقتصادی ساکنان این منطقه، عمدتاً دامداری، خصوصاً دامداری کوچ‌نشینی است.

کوههای بختیاری که قسمتی از کوهستان زاگرس را در برمی‌گیرد، مسکن اصلی

کوچ نشینان بختیاری است. در اکثر قسمت‌های این منطقه سنگ فراوان یافت می‌شود. اراضی کشاورزی اندکی که کوچ نشینان دارند، از سنگ پوشیده شده است. برای کار در روی این زمین‌ها، بختیارها نساچارند که ابتدا سنگهای ریز و درشتی را که زمین‌های کشاورزی آنها را پوشانده، از زمین‌ها خارج کرده و سپس در آن به کشت بپردازند. اندک خاکی که در اثر این عمل به جای می‌ماند، سبب می‌شود که زراعتی بر رنج و بی‌روتق پدید آید که حاصل آن محصولی اندک است.

انسان کوچ نشین در این گستره جغرافیایی، استفاده‌های بی‌شماری از طبیعت اطراف خود می‌برد. از این محیط سنگی خشن، در رابطه با زندگی کوچ نشینی، چنان بهره‌مند می‌شود که نه تنها محیط سنگی اطراف را با وجود سنگهای فراوان، برای خود نامأنوس نمی‌یابد، بلکه به آن وابسته نیز می‌شود. آنان چنان به این محیط دل بسته هستند که زندگی در خارج از این محیط برایشان مشکل است. بختیاری‌ها از سنگ آن چنان بهره‌ای می‌گیرند که جنگل نشینان از چوب.

بختیارها استفاده‌های گوناگونی از سنگ می‌کنند و بی‌سبب نیست که این موهبت الهی را احترامی خاص قایلند. هنگام کوچ یا استقرار در بیلاق و قشلاق، هرگاه فرزندان پسر بر روی سنگ به دنیا بیاید، نام او را «بردی - bardi» می‌گذارند. در زبان لری «برد» به معنی سنگ است و بردی به معنی «سنگی» و یا چیز و کسی که نسبتی با سنگ دارد.

عظمت و بزرگی سنگ در زندگی کوچ نشینان بختیاری آن چنان است که از آن در نامگذاری محیط طبیعی بهره می‌گیرد. «بردگپ - bard-e-gap» [سنگ بزرگ]، «گفت برد - keft-e-bard» [گرددنه سنگ]، «رگ منار - rag-e-monar» [سنگ منار]، «مشکک مسورد - meshkaft-e-murd» [غار مسورد] و غیره از

نمونه‌های بارز نامگذاری مناطق عشایری در رابطه با سنگ است.

انسان کوچ نشین بختیاری در زندگی روزمره خود از سنگ استفاده‌های بی‌شماری می‌برد که در زیر به عمده‌ترین موارد آن اشاره می‌شود.

۱ - بریا داشتن چادر:

معمولاً در قسمت انتهایی چادر بختیاری (بهون - behun)، سکویی سنگی وجود دارد. این سکو که در زبان بختیاری به آن «چل خانه - chol-e-khaneh» می‌گویند از قسمت‌های اصلی و مهم چادر بشمار می‌رود. این سکوی سنگ چین، که از قرار دادن سنگها (بدون استفاده از ملاط) بر روی هم ساخته می‌شود، هم بعنوان طساقچه‌ای برای قرار دادن خورجین‌ها، رختخواب، فرش و سایر لوازم زندگی به کار می‌رود و هم بعنوان تکیه‌گاه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در مناطقی که زمین سخت است و امکان نصب بندهای چادر به وسیله میخ در زمین وجود ندارد، بندهای چادر را به سنگهای بزرگ وصل می‌کنند.

۲ - تهیه فرآورده‌های شیر:

در تهیه پنیر بختیاری‌ها، از سنگ استفاده می‌کنند. در این مرحله تخته سنگی را روی کیسه پنیر می‌گذارند تا در اثر سنگینی آن، آب پنیر کشیده شود. برای خشک کردن کشک، گلوله‌های کشک را روی تخته سنگ قرار می‌دهند تا خشک شود. در مناطقی که تخته سنگ طبیعی وجود ندارد، سکویی از سنگ تهیه کرده و کشک‌ها را برای خشک شدن روی آن قرار می‌دهند.

۳ - ساختمان:

ساختمان محل سکونت در مناطق قشلاقی، از سنگ ساخته می‌شود. این نوع ساختمان سنگی را «لیر - lif» می‌گویند. در این نوع معماری که به آن «خشکه چین» می‌گویند، سنگها را بدون استفاده از ملاط بر رویهم می‌چینند. برای حفظ تعادل سنگهای بنا در حالت عمودی، در میان قطعات سنگهای بزرگ (که به آن «سنگ کار - sang-e-kar» می‌گویند)، از خرده سنگ (که به آن «لاشه - lashe» می‌گویند) استفاده می‌کنند. برای جلوگیری از سنگینی سقف بنا بر دیوارهای آن، معمولاً از دیرکهای حمال استفاده می‌شود. دیرکهای حمال نیز در بیشتر موارد از سنگ ساخته می‌شود. این ستونهای سنگی با قرار دادن تکه‌های بزرگی از سنگ تهیه می‌شود.

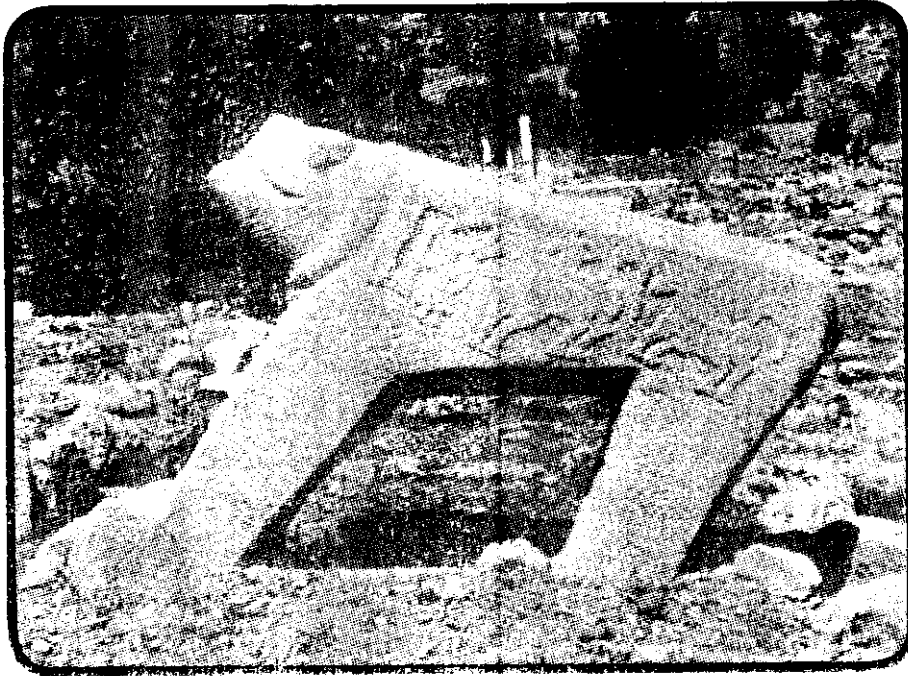
در ساختن سرپناه سنگی، حصار دور چادر برای محافظت دام (که به آن «قاش - ghash» می‌گویند)، ساختن آبریزگاه، طویله و زاغه از سنگ استفاده می‌شود. بختیارها برای ساختن لانه مرغ و سگ، محل نگهداری انواع مشک و محل دوشیدن دام «دون - dūn» از سنگ بهره می‌گیرند.

۴ - دیوار و پرچین:

برای جلوگیری از ورود دامها به مزارع، اطراف آنها با پرچینی از سنگ محصور می‌کنند. در مناطقی از بیلاق یا قشلاق که امکان وزش بادهای سرد به درون چادر وجود دارد، اطراف چادر را با دیواره‌هایی از سنگ چین محصور می‌کنند.

۵ - اجاق:

در ساختن اجاق، خصوصاً در مناطق



کوهستانی از سنگ استفاده می‌شود. ایجاد سنگ چین در اطراف و جوانب اجاق، باعث جلوگیری از پراکنده شدن آتش می‌شود. علاوه بر آن سنگ چین اطراف اجاق این امکان را به وجود می‌آورد، که ظروف بر روی اجاق به راحتی قرار بگیرد.

۶ - اهرم:

برای متعادل نگهداشتن دستگاه بافندگی گلیم، قالی، خورجین، جاجیم، ریس و غیره با قرار دادن سنگ در زیر دستگاه؛ از سنگ استفاده می‌شود.

۷ - اسلحه:

در صورت نبودن اسلحه گرم (تفنگ) و یا سرد (چماق)؛ از سنگ به عنوان اسلحه‌ای پرتابی استفاده می‌شود. قرار دادن سنگ در فلاخن و پرتاب آن، در راندن دشمن، حیوانات موزی، تغییر مسیر حرکت دام یا گله، از کاربردهای سنگ در این مورد است. همچنین هنگامی که چوپان فاقد اسلحه برنده‌ای باشد، و نیاز به بریدن سر حیوان داشته باشد، با شکستن سنگ و ایجاد لبه‌ای تیز، از آن به عنوان ابزاری برنده استفاده می‌کند.

۸ - زنبورداری:

در بعضی از مناطق، با ایجاد شکافی در صخره‌ها، اقدام به ساختن کندوی زنبور عسل وحشی می‌کنند. بختیارها از این نوع زنبورداری عسل تهیه می‌کنند که به آن «عسل کوهی» می‌گویند. معمولاً این نوع کندوها را در صخره‌های دور از دسترس و یا در شیب‌های تند کوهها ایجاد می‌کنند.

Chal». و دسته آنرا «دسته چال -daste-chal» می‌گویند.

از این نوع وسیله برای جدا کردن برنج از شلتوک نیز استفاده می‌کنند.

۱۰ - بام غلطان:

با استفاده از ابزار فلزی، استوانه‌ای سنگی می‌تراشند که به عنوان بام غلطان از آن برای جلوگیری از چکه کردن بامها پس از بارندگی استفاده می‌شود. این نوع بام غلطان را در زبان بختیاری «توتور - Tütör» می‌گویند. چون در مناطق قشلاقی کوهستانی، خاک رس یافت نمی‌شود، پوشش سقف خانه‌ها، بیشتر از خاکهای شنی است. بنابراین در هنگام بارندگی سقف اغلب ساختمانها، چکه می‌کند. پس از بارندگی، برای جلوگیری از چکه کردن بامها، مقداری خاکستر بر بام خانه‌ها پاشیده و سپس با غلطاندن بام غلطان، بامها را می‌کوبند.

۱۱ - ظروف:

استفاده از سنگ به عنوان ظرف در قلمرو

۹ - وسایل آسیا کردن و کوبیدن مواد:

بختیارها با استفاده از ابزار فلزی، سنگ آسیا تهیه می‌کنند. ساختن دستاس نیز به حالت خشن و بسیار ابتدایی، با استفاده از سنگهای مخصوصی صورت می‌گیرد. این نوع دستاس را «بردر - bardar» می‌گویند. بردر را با انتخاب سنگ و تراش اندکی که به یک تکه استوانه‌ای می‌دهند تهیه می‌کنند. برای خرد کردن مواد با این وسیله، مواد را بر روی تخته سنگی صاف و یا کمی مقعر قرار می‌دهند. سپس بوسیله سنگ استوانه‌ای که آنرا در طول تخته سنگ دوران می‌دهند، عمل خرد کردن را انجام می‌دهند.

همچنین با استفاده از ابزار فلزی، با ایجاد چاله‌ای در یک تخته سنگ، هاون تهیه می‌کنند. دسته هاون را نیز با انتخاب سنگ استوانه‌ای که یک طرف آن هم حجم (یا کمی کوچکتر) از قطر چاله باشد، تهیه می‌کنند. مواد را درون چاله می‌ریزند و با استفاده از دسته هاون، آنرا می‌کوبند. هاون را به زبان بختیاری «چال -

ایلی به دو صورت است. یا سنگها به طور طبیعی دارای حفره هستند و یا اینکه با استفاده از ابزار اقدام به ایجاد حفره در سنگ می کنند. استفاده از سنگهای حفره دار طبیعی در بین چوپانانی که فاقد ظرف باشند، متداول است، در این حالت چوپانان، شیر دام را در درون اینگونه سنگها دوشیده و در آن نان خرد کرده و می خورند. به این نوع سنگ در زبان بختیاری «هرو - hartı» می گویند. مورد دیگر استفاده از سنگ حفره دار طبیعی به عنوان ظرف، در مناطق کوهستانی قلمرو ایل هنگامی است که دسترسی به آب آشامیدنی امکان پذیر نباشد. بختیارها از حفره های سنگی که در آنها آب باران ذخیره شده باشد، آب آشامیدنی خود را تأمین می کنند.

اصولاً چون براساس اعتقادات مذهبی، سنگ نجس است، برای تغذیه سگ، با استفاده از سنگهای حفره داری که مانند ظرف گودی هستند، غذای سگ را در آن قرار می دهند. به این نوع سنگ «کل - kal» می گویند.

از مواردی که از سنگ با به کار بردن ابزار، به عنوان ظرف استفاده می کنند، می توان از آبشخور دام نام برد. با استفاده از ابزار فلزی در سنگی مکعب شکل، فضایی ایجاد میکنند که بتوان از آن به عنوان آبشخور دام استفاده کرد. به این نوع آبشخور در زبان بختیاری «سنگ او - sang-ov» می گویند.

۱۲ - پناهگاه:

در مناطق کوهستانی قلمرو ایلی، اصولاً در سینه کش کوهها مشرف به گذرگاهها و سعابر تنگ دره ها، به دور از دسترس افراد، حفره هایی ایجاد شده است که به آن «بردگوری - bard-e-gori» می گویند. بردگوری دارای دریچه ای مستطیلی شکل به ابعاد تقریبی ۷۰×۵۰ سانتی متر است که درون آنرا به اندازه

بلندی یک انسان و به موازات افق، حفر می کنند. در بعضی موارد ورود به این پناهگاه، بدون استفاده از طناب بلند، امکان پذیر نیست. شایع است که از این حفره ها برای قرار دادن افراد فرتوت و ناتوان در هنگام کوچ خانوارهای ایل از بیلاق به قشلاق و یا قشلاق به بیلاق استفاده می کرده اند. بدین معنی که کوچ بختیارها یکی از سخت ترین انواع کوچ در بین ایلهای کشور بوده و در پاره ای موارد مسافتی حدود ۳۰۰ کیلومتر را شامل می شد، مدت کوچ حدود یکماه طول می کشید. حمل افراد فرتوت، بیمار و ناتوان به صورت پیاده و یا بر روی دام امکان پذیر نبوده، بنابراین اینگونه افراد را در این حفره ها قرار داده و برای آنها به اندازه مدت اقامت آنان آب و خوراک می گذاشتند. پس از بازگشت ایل، به این دخمه ها مراجعه می کردند، اگر فرد زنده مانده بود، او را به میان ایل می بردند و اگر مرده بود، جنازه وی را دفن می کردند.

در پاره ای موارد، در این دخمه ها بقایای اسکلت انسان مشاهده شده است، لیکن نگارنده در این مورد مشاهداتی نداشته است. به نظر می رسد که از این محل بیشتر به عنوان پست نگهداری استفاده می کردند، زیرا اغلب دخمه هایی که مشاهده شد، در مناطق سوق الجیشی قرار داشته است. در زبان محلی، بکجا نشینان به این دخمه ها «حزف خانه» می گویند.

۱۳ - علامت گذاری:

بختیارها برای شناسایی حدود مراتع و مزارع خود از سنگ استفاده می کنند. برای این منظور، ستونهای کوچکی را با چیدن چند قطعه سنگ بر روی هم ایجاد می کنند. این ستونهای کوچک سنگی را بزبان بختیاری «کاله - kale» می گویند.

در مسیرهای کوچ، با کمک سنگ علائمی ایجاد می کنند که با استفاده از این علائم دائمی سالها از این مسیرها، بدون گم کردن راه، به آسانی عبور می کنند.

۱۴ - دیوار:

در مناطقی از قلمرو ایل که معادن روباز سنگ گچ وجود دارد، بختیارها دیوار خانه ها را از سنگ گچ و با استفاده از روش خشکه چین می سازند. چون در آب باران مقداری اسید کربنیک وجود دارد، در اثر بارندگی و نفوذ آب باران در سنگ گچ، اسید کربنیک با گچ ترکیب شده سبب حل شدن مقداری از مواد سنگ گچ می شود. در اثر این عمل سنگها به یکدیگر می چسبند و سبب به وجود آمدن دیواری محکم و سخت می شود. این نوع دیوارها، نسبت به سایر انواع خشکه چین از استحکام بیشتری برخوردار است.

علاوه بر مواردی که درباره استفاده مادی از سنگ گفته شد، مواردی نیز وجود دارد که استفاده از سنگ جنبه فرهنگی دارد که در زیر به شرح آن می پردازیم.

۱۵ - بنای یادبود:

هرگاه مردی از ایل بختیاری در خارج از قلمرو ایلی فوت کرده و در همانجا دفن شده باشد، اقوام او بنای یادبودی به نام «مافگه - mafegah» ایجاد می کنند، این بنای یادبود در جلوی خانه قشلاقی و یا در منطقه بیلاقی در جایی که بیشترین مدت بیلاق را در آنجا می گذرانند، ساخته می شود. مافگه به شکل مکعب و در اندازه های متفاوت از چین سنگها بر روی یکدیگر ساخته می شود. بلندی آن،

معمولاً حدود یک متر از سطح زمین است. اگر فرد فوت شده، شکارچی بوده باشد، بر روی مافگه، مجموعه شاخدار گوزن یا بزکوهی را قرار می‌دهند. هنگام عزاداری در سالگرد درگذشت فرد فوت شده، نزدیکیان او در کنار مافگه مراسم عزاداری را بجا می‌آورند.

۱۶ - سنگ مزار:

معماری سنگ مزار در بختیارها از شکوفایی فرهنگی خاصی برخوردار است. سنگهای مزار عموماً به دو قسمت عمده نقش‌دار و ساده تقسیم می‌شوند. سنگهای مزار نقش‌دار خود نیز به سه دسته تقسیم می‌شوند.

اول - شیر سنگی: شیر سنگی عبارت است از مجسمه‌ای از شیر که آنرا از سنگ تراشیده و بر روی مزار قرار می‌دهند. این نوع سنگ مزار برای مزار مردان دلاور ایل، به کار برده می‌شود. در طرفین بدن شیر نقش‌هایی از اسلحه سرد و گرم از قبیل تفنگ، خنجر، شمشیر و کارد شکاری و همچنین تسبیح، شانه، آینه و انگشتر و مهر پدید می‌آورند. بر گرده مجسمه شیر نیز نام و نشان فرد صاحب مزار نقش می‌بندد. استفاده از شکل شیر، بیشتر در رابطه با شیر بختیاری است که نسل آن از قلمرو ایل به خاطر شکار بی‌رویه این حیوان منقرض شده است. در سفرنامه لایارد انگلیسی که در سال ۱۸۴۳ نوشته شده است، این نوع شیر در قلمرو ایل وجود داشته است، که در آن زمان به وفور یافت می‌شد. در گذشته استفاده از سنگ مزار شیر سنگی بیشتر بر روی مزار شکارچیان شیر متداول بوده است.

دوم - سنگ مزار افقی: این نوع سنگ مزار با برآمدگی مکعبی شکلی به ابعاد تقریبی ۲۰×۲۰×۲۰ سانتی‌متر در قسمت سر مزار ساخته می‌شود. بلندی این سنگ مزار حدود ۸۰ سانتی‌متر، عرض آن ۴۰ و قطر آن ۱۰



سنگهای مزار ساده، سنگهای مزاری هستند که دارای نقش و نگار نیستند و با استفاده از سنگ و چیدن آن بر روی مزار ساخته می‌شوند. اصولاً سعی می‌شود که در این نوع سنگ مزار، از سنگهای تخت استفاده شود.

به این ترتیب، موارد عمده‌ای که در ایل بختیاری از سنگ استفاده می‌شود، بیان شد. موارد دیگری نیز می‌تواند وجود داشته باشد که از سنگ و کاربردهای آن نشانی داشته باشد، لیکن تحقیق در مورد همه آنها بر نگارنده ممکن نشد. امید می‌رود، افراد علاقمند دیگری که در این زمینه مطالعاتی دارند، نسبت به گسترش این تحقیق اقدام کنند.

سانتی‌متر است. بر روی این سنگ مزار، مشخصات صاحب مزار را حک می‌کنند. به گمان نگارنده این نوع سنگ مزار، نسبت به سنگ مزار شیر سنگی از قدمت بیشتری برخوردار است. زیرا برآمدگی قسمت سر گور بیشتر یادآور آتشدان است و استفاده از آتشدان به دوره پیش از اسلام می‌رسد. در صورتی که شیر سنگی در رابطه با همین حیوان و نیز در رابطه با صفاتی است که در دوره بعد از اسلام به شیر داده شده است.

سوم - سنگ مزار عمودی: این سنگ مزارها عموماً به شکل پنج ضلعی غیرمنتظمی است که یک زاویه آن در بالا قرار می‌گیرد. پایه این پنج ضلعی موازی با سطح زمین و دو ضلع دیگر عمود بر گور قرار می‌گیرند. این سنگ مزار را بر بالای سر مزار می‌گذارند. بر روی آن نقش‌های انسان و وسایل شخصی وی حک می‌شود. بر روی سنگ مزار مردان، نقش اسب سوار و اسلحه سرد و گرم و بر روی سنگ مزار زنان نقش زنی حک می‌شود که در یک دست وی شانه قالی‌بافی و در دست دیگر قیچی دارد.

۱- انسکلویدیای آذربایجان - مقاله «دوران سنگ»

ص ۳۴۴ - چاپ باکو - ۱۹۷۹

۲ - سنگها سخن می‌گویند - ص ۵ - نوشته

راسیم افندیف - چاپ باکو - ۱۹۸۰